

شروع فصل سرد حاکمیت یک دست

اجرای بیانیه گام دوم انقلاب



محسن کدیور

13 مرداد ۱۴۰۰

با تنفیذ مورخ ۱۲ مرداد ۱۴۰۰ ابراهیم رئیسی، جمهوری اسلامی وارد مرحله دوم حیات خود شد. در این یادداشت در سه بخش ابتدا مروری به مراسم تنفیذ و ارتباطش با بیانیه گام دوم انقلاب می‌شود، سپس مختصات مرحله دوم جمهوری اسلامی تبیین می‌گردد و بالاخره به نخستین آزمون‌های نظام یک‌دست نیم‌نگاهی انداخته می‌شود.

حکم و خطابه تنفیذ، و بیانیه گام دوم انقلاب

در این بخش رئوس نطق رئیس جمهور جدید، حکم تنفیذ وی از سوی رهبری، و بیانیه گام دوم انقلاب را از نظر می‌گذرانیم:

الف. ابراهیم رئیسی رئیس جمهور سیزدهم سخنرانی خود را با حسرت عدم امکان دست‌بوسی آغاز کرد: «شرط ادب و احترام در حکم تنفیذ از سوی رهبری معظم انقلاب این بود که من دست مبارک ایشان را میبوسیدم لکن به دلیل شرایط موجود، این توفیق از من سلب شد.» او «مردم سالاری دینی» جمهوری اسلامی را «مدل حکمرانی جدیدی» در عرصه جهانی دانست. سپس اطاعت محض از مقام رهبری را به مثابه شاخص موفقیت با شفافیت و وضوح معرفی کرد: «در این چهل ساله آنجا که توجه به رهنمودهای امام و رهبری و به سیاست‌های نظام شد، حوزه‌ی پیشرفت اقتدار و ارتقا بود و آنجا که به رهنمودهای امام و رهبری و سیاست‌های مصوب نظام و اقتضای انقلاب شکوهمند اسلامی بی‌توجهی یا کم‌توجهی شد، حوزه‌ی مشکلات، کاستی‌ها و گله‌مندی‌های مردم بود.»

رئیزی «انتخابات بیست و هشتم خرداد [را] جلوه‌ای از مردم‌سالاری دینی» و «حماسه ای بزرگ» ارزیابی کرد که پیام آن «تحول‌خواهی، عدالت‌خواهی، مبارزه‌ی با فساد، فقر و تبعیض، اجرای سیاست‌های اعلامی نظام، و توجه به ارزش‌های انقلاب اسلامی، ضرورت رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، جبران اعتماد آسیب دیده مردم، و کاهش فاصله‌ی بین ملت و دولت» است. اما مهمترین نکته خطابه وی این عبارت بود: «برنامه‌ی دولت، برنامه‌ی تحول است و این تحول مستند است به سند بسیار ارزشمند بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. سند ماندگار بیانیه‌ی گام دوم مستند اقدامات دولت خواهد بود.»

ب. خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی در حکم تنفیذش انتخاباتی که بنا بر آمار رسمی رکورددار پائین ترین درصد مشارکت، پائین ترین میزان رأی یک رئیس جمهور، و بیشترین آراء باطله در تاریخ جمهوری اسلامی بود را به «حضور پُرمعنا و عزّت‌آفرین و حاکمیت رأی مردم بر اداره‌ی امور کشور» تعبیر کرد و «معاون اجرایی منصوب» خود را منتخب مردم ایران، و «شخصیتی مردمی و عالیقدر، مزین به پرهیزکاری و خردمندی، دارای سوابق درخشان مدیریت»، «عالم فرزانه و خستگی‌ناپذیر و کارآزموده و مردمی»، و «آماده‌ی حرکت جهشی در همه‌ی عرصه‌ها، و نیازمند مدیریتی باکفایت و جهادی» معرفی کرد.

ج. بیانیه گام دوم انقلاب که قرار است برنامه دولت جدید باشد بیانیه رهبر جمهوری اسلامی است که در چهلمین سالگرد انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر کرده است، و به نظر پیروان وی «نقشه راه» محسوب می شود. در آن از ورود انقلاب به «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» سخن گفته است. مرحله اول انقلاب نظام سازی بوده که محصول آن حکومت انقلابی، مردمی و مردم‌سالار جمهوری اسلامی است و نظام از «نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند». به نظر وی تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» و استکبار ستیزی دستاورد برجسته‌ی ایران انقلابی برای جهان معاصر بوده است.

مرحله دوم آن «ایجاد تمدن نوین اسلامی» است. دو کلیدواژه مرحله دوم انقلاب «مدیریت‌های جهادی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی» است. عصاره بیانیه گام دوم این عبارت است: «امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر

در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است.»

مختصات مرحله دوم جمهوری اسلامی



اکنون با توجه به خطابه و حکم تنفیذ از یک سو و بیانیه گام دوم می‌توان ویژگی‌های مرحله دوم جمهوری اسلامی را بهتر درک کرد. دوران چهل و دو ساله نخست جمهوری اسلامی «مرحله نظام‌سازی» بوده است. مرحله دوم «دوران تمدن‌سازی» یا به زبان دقیق‌تر «دوران تاسیس تمدن بزرگ اسلامی فعلا در غرب آسیا» است، شامل سرزمین هفت کشور ایران، افغانستان، پاکستان، عراق، سوریه، لبنان، و یمن است. در مرحله بعدی بسیاری از کشورهای آسیای میانه، ترکیه و کلیه کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و دریای عمان را فرامی‌گیرد. اینجا قلمرو مقاومت است که در آن نفوذ آمریکا به طور کلی برچیده شده، و اشغالگران صهیونیست از خاک فلسطین اخراج می‌شوند. اگرچه در مرحله اول مبارزه با استکبار جهانی و صهیونیسم همواره در صدر اهداف جمهوری اسلامی بوده، و برای تحقق آن تمهید مقدمات فراوان صورت گرفته است، اما مرحله دوم «دوران تحقق این دو

هدف بزرگ در محدوده غرب آسیا» است. این قلب بیانیه گام دوم انقلاب و هدف استراتژیک جمهوری اسلامی است.

برای رسیدن به این دو هدف استراتژیک به دو امر نیاز است: مدیریت جهادی و اقتصاد مقاومتی. متصدی بکارگیری این دو شیوه مدیریت و اقتصاد رئیس جمهور است. رئیس جمهوری که قرار است در همه عرصه‌ها جهش ایجاد کند، باید کمترین امیدی به غرب (آمریکا و اروپا) نداشته باشد، یقین داشته باشد که از تعامل و مذاکره با نظام بین الملل ایران انقلابی به جایی نخواهد رسید، چرا که غرب خواسته‌ای جز نابودی نظام انقلابی در ایران ندارد، و تنها راه برخورد با غرب تقابل، اقتدار نظامی و مواجهه انقلابی یعنی تهاجمی است. دیپلماسی باید در خدمت مقاومت (حضور فعالانه جمهوری اسلامی در غرب آسیا) باشد.

در زمان زمامداری دومین رهبر جمهوری اسلامی نهادهای انتصابی کاملاً در جهت تحقق مرحله دوم مهره‌چینی شده‌اند، از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شورای نگهبان، صدا و سیما، قوه قضائیه، ائمه جمعه، و بنیادهای کلان اقتصادی. با یکدستی نهادهای انتصابی نظام متوجه نهادهای انتخابی شد. در نهادهای انتخابی نباید هیچ شخص موثر غیرمعتقد به راهبرد مذکور حضور داشته باشد، بنابراین جریانهای تحول‌خواه، اصلاح طلب و حتی اعتدالی نمی‌توانند در نهادهای انتخابی حضور داشته باشند. شورای نگهبان مجری فرمان یک‌دست کردن حاکمیت شد. این یک‌دست‌سازی از مجلس خبرگان آغاز شد. مجلس خبرگان دوره پنجم (۱۳۹۵) حتی یک خبره غیرقابل کنترل تحمل نشد و به طور کامل تسطیح و یک‌دست شد. مجلس خبرگان اکنون مجلسی کاملاً تشریفاتی و تزئینی و مجری اوامر بلکه منویات رهبری و بیت ایشان است.

مجلس شورای اسلامی دومین نهاد انتخابی بود که در راستای ورود به مرحله دوم جمهوری اسلامی از دوره یازدهم (خرداد ۱۳۹۹) کاملاً تسطیح شد. تمام نماینده‌هایی که حتی در چهارچوب نظام انتقاد می‌کردند رد صلاحیت شدند، به عنوان نمونه علی مطهری فرزند نظریه پرداز جمهوری اسلامی. مجلس شورای اسلامی اکنون قطعاً در راس امور نیست، هیچیک از تصمیمات اصلی نظام در مجلس گرفته نشده است، از بسیاری از این

تصمیمات نه نماینده های مجلس مطلعند نه حتی هیئت رئیسه مجلس. همین که بدانند امری تصمیم نظام و مورد نظر رهبری است برایشان کفایت می کند.

آخرین نهادی که باید با مرحله دوم هماهنگ می شد ریاست جمهوری بود. مشکل این نهاد این بود که در هر انتخابات رقابتی مردم به نامزدی رای می دادند که بیشتری فاصله را با نامزد مطلوب نظام داشت. مقام رهبری چاره را در این دید که از خرداد ۱۴۰۰ انتخابات غیررقابتی برگزار کند، انتخاباتی که در حقیقت با حضور یک نفر با چند نامزد نخودی برگزار می شود و به شکل تضمین شده نامزد مطلب نظام با رای اقلیت انتخاب می شود. در حقیقت با غیررقابتی کردن انتخابات، صورت انتخابات باقی ماند اما بدون سیرت، یعنی انتخابات ریاست جمهوری هم کاملاً تشریفاتی و بی معنی شد. شرکت در انتخابات معادل رای به مشروعیت نظام شد. ابراهیم رئیسی منتخب یا به زبان دقیق تر منصوب چنین فرایندی است. در حقیقت در مرحله دوم جمهوری اسلامی ریاست جمهوری به «معاون اجرایی رهبری» تبدیل می شود.

در مرحله دوم جمهوری اسلامی دقیقاً تبدیل به حکومت اسلامی می شود. البته اسم بی مسمای جمهوری اسلامی باقی می ماند. اما با منتفی شدن انتخابات آزاد رقابتی دیگر جمهوریت بی معنی است. رئیس جمهوری، رئیس قوه قضائیه و رئیس مجلس یک روحند در سه بدن، یا وجوه مختلف یک روند هستند یا معاونان یک رهبر که تصمیمات متخذه ایشان را در قلمرو معاونت خود محقق می کنند. مسئولان عالی رتبه نظام با صدای واحدی به شیوه انقلابی، مدیریت جهادی و اقتصاد مقاومتی منویات رهبری را دنبال می کنند.

مرحله دوم جمهوری اسلامی یا یکدست سازی نظام برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب یادآور یکدست سازی کشور با تاسیس حزب فراگیر رستاخیز در اسفند ۱۳۵۳ است. محمدرضا شاه پهلوی می پنداشت دموکراسی و آزادی سیاسی منافای پیشرفت کشور است و همه امور کلان کشور باید مستقیماً زیر نظر شخص وی تصمیم گیری شود. کمتر از چهار سال بعد نظام شاهنشاهی سقوط کرد. خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی هم دقیقاً با منطق مشابهی دموکراسی، آزادی سیاسی و انتخابات آزاد و رقابتی را منافای اهداف ایدئولوژیک مذکور در بیانیه گام دوم

خود می داند. او بهتر از هرکسی می داند که اکثر مردم ایران با سیاستهای کلان او مخالفند و او دارد با زور و سرکوب مطالبات ملی و از حیز انتفاع ساقط کردن نهادهای انتخابی قانون اساسی حکومت می کند. باید منتظر نشست و دید فاصله سقوط نظام فعلی از زمان یکدست کردن نظام چند سال خواهد بود؟

نخستین آزمون‌های نظام یکدست



در کوتاه مدت وضعیت کشور کمی بهتر خواهد شد، چرا که بخش انتصابی دیگر چوب لای چرخ دولت نمی گذارد، و چند ماهی گشایشی مصنوعی در کار گره خورده اقتصاد ایجاد می شود، تا مردم مزه حکومت یکدست را بچشند. اما این دوره گشایش معلوم نیست بیشتر از چند ماه به طول بیانجامد. نظام با چند ابربحران مواجه است باید برای آنها راه حل بجوید.

در درجه نخست مسئله واکسیناسیون عمومی است. نظام حقیقتاً در امر واکسن مردم اهمال کرده است. آمار صعودی تلفات کرونا جداً نگران کننده است. با تصمیمات سنجیده همانند بسیاری از کشورهای دیگر امکان مهار تلفات جانی کرونا وجود داشت. ممانعت از ورود واکسن خارجی به میران کافی، و وضعیت کاملاً مشکوک هفت واکسن داخلی مردم را در مقابل انواع جهش یافته این ویروس بی دفاع رها کرده است. کادر درمانی کشور از

پزشکان و پرستاران و ارائه‌کنندگان دیگر خدمات درمانی از جان مایه گذشته‌اند، اما فشار کار و کمبود امکانات و نبود برنامه دارد آنها را فرسوده می‌کند. وزیر چاپلوس بهداشت انصافاً نمکی بر زخم‌های ملت ایران است. نظام برای مقابله با این ابربحرانی که راه حل فوری می‌طلبد چه برنامه‌ای دارد؟ رهبری و ایادی زیر دستش به جرم قتل شبه‌عمد مقتولان کرونایی قابل پیگرد قانونی هستند.

نظام برای ماجراجویی‌های منطقه‌ای با عنوان محور مقاومت در غرب آسیا، تسلیحات موشکی تهاجمی، توسعه پرهزینه و کم‌فایده صنایع هسته‌ای، که با مخالفت شدید آمریکا، اروپا و اسرائیل مواجه است چه می‌خواهد بکند؟ بدون تعارف تحریم‌های کمرشکن آمریکا کمر اقتصاد ایران را شکسته است. اسرائیل به معنای دقیق کلمه در خاک ایران هر غلطی که می‌خواهد می‌کند. اسناد مورد نظرش را از کشور خارج می‌کند، شخصیت‌های مورد نظرش را ترور می‌کند، مراکز مورد نظرش را تخریب می‌کند، تا کنون هم دم به تله نداده است. آن وقت مسئولان دهان‌گشاد لشکری و کشوری جمهوری اسلامی شعارهای گنده‌گنده‌سرمی‌دهند. خامنه‌ای با برجام و FATF (گروه ویژه اقدام مالی) چه می‌خواهد بکند؟ اگر ایشان و اقلیت طرفدارش تصمیم گرفته‌اند اهداف ایدئولوژیک مذکور در بیانیه گام دوم را به هر قیمتی محقق کنند، آیا فکر کرده‌اند با ابربحران آب، ابربحران تورم و زیر خط فقر رفتن اکثر مردم ایران به قیمت صدور انقلاب و سیاست‌های ناب‌خردانه هسته‌ای و مقابله با نظم بین‌المللی چه بر سر ملت ایران آورده‌اند؟

مدیریت جهادی، اقتصاد مقاومتی واژه‌های مبهم و فاقد معنای محصلی هستند. بدون رعایت موازین علوم مدیریت و اقتصاد وضعیت کشور از اینکه هست بدتر خواهد شد. این واژه‌ها همان‌قدر معنی‌دار هستند که مردمسالاری دینی یا جمهوری ولایی، حماسه انتخابات ۲۸ خرداد ۱۴۰۰، و عالم‌فرزانه و شخصیت‌میزین به پرهیزگاری و خردمندی برای ابراهیم رئیسی. واژه‌ها در جمهوری اسلامی مبتذل و بی‌سیرت و پوچ شده‌اند. البته مرحله دوم جمهوری اسلامی سه فایده دارد: یکی اینکه کلیت نظام همسو و هماهنگ با رهبری است و هیچ بهانه‌ای برای فرافکنی باقی نمی‌ماند و از این به بعد مقام رهبری مسئول مستقیم و اصلی تصمیمات نظام هستند.

دیگر اینکه از این به بعد ظاهر و باطن نظام هماهنگ می‌شود و صدای واحدی از دهانهای مختلف شنیده می‌شود و آن صدای رهبری است. سوم با یک‌دست شدن نظام سقوط آن تسریع می‌شود. جمهوری اسلامی از این به بعد تفاوت چندانی با جمهوری سوریه و مصر ندارد: نظامهای اقتدارگرایی فاقد انتخابات رقابتی. هرچقدر آنها موفق بوده‌اند، حکومت اسلامی مستقر در ایران هم موفق خواهد بود.

تنفیذ هشتمین رئیس‌جمهور (دوره سیزدهم) هیچ اهمیت یا معنی و مفهوم دیگری ندارد. فصل سرد ایران تداوم یافته و مشکلات مردم افزایش می‌یابد.



kadivar.com
<https://kadivar.com/19038/>
kadivar.mohsen59@gmail.com

تمام حقوق محفوظ است.
 نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.